

اردک‌های بنفش ۲



نویسنده و تصویرگر: مارک فان دخریند

مترجم: مهرنوش گلشاهی‌فر

این کتاب مال است.

ELKE DAG EEN WOLK

Written and illustrated by Marc van de Griendt.

First published in Belgium and the Netherlands in 2015
by Clavis Uitgeverij, Hasselt - Amsterdam - New York.

Text and illustrations copyright © 2015 Clavis
Uitgeverij, Hasselt - Amsterdam-New York.

All rights reserved.

Persian Translation © Houppaa Publication, 2020

نشر هوپا با همکاری آرژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی
حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی این
کتاب را به زبان فارسی در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن
(Clavis) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان
دیگر مخالف قوانین بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: گرینت، مارک وان د
Griendt, Marc van de
عنوان و نام پدیدآور: هر روز یک ابر تازه/ نویسنده و تصویرگر مارک فان دخریند ؛
مترجم مهرنوش گلشاهی فر.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص: مصور (رنگی).
فروست: اردک‌های بنفش؛ ۲.
شابک: ۳-۲۰۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸؛ دوره ۳؛ ۳-۲۱۰-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Elke dag een wolk, 2015.
یادداشت: گروه سنی: ب.
موضوع: شخصیت‌های کارتونی -- داستان
موضوع: Fiction -- Comic strip charecter
موضوع: اردک‌ها -- داستان
موضوع: Ducks -- Fiction
موضوع: اندوه -- داستان
موضوع: Griey--Fiction
شناسه افزوده: گلشاهی فر، مهرنوش، ۱۳۵۶ - مترجم
رده بندی دیوبی: ۱۵/۷۴۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۲۱۵۳۷

هر روز یک ابر تازه

نویسنده و تصویرگر: مارک فان دخریند

مترجم: مهرنوش گلشاهی فر

ویراستار: نسرنوش امینی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: آتلیه هوپا

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۳-۲۰۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

شابک: ۳-۲۱۰-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱،

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در

قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

هدر روزیک ابر تازه



تقدیم به خیس

روز آرامی بود.

هکتور و آلبرت تازه صبحانه‌شان را خورده بودند.

هر دو بلند شدند به کارهای خانه برسند. آلبرت جارو را برداشت تا زمین را جارو بکند.

یک‌دفعه گفت: «اینجا را نگاه کن! یک نامه افتاده جلوی در!»

هکتور با ذوق و شوق گفت: «زود بازش کن ببینیم چی تویش نوشته!»

تقریباً هیچ‌وقت نامه‌ای برای هکتور و آلبرت نمی‌آمد.





آلبرت گفت: «نامه‌ی فیونا است.»

هکتور پرسید: «خُب چی نوشته؟»

«دعوت‌مان کرده برویم خانه‌اش و شام را مهمانش باشیم.»

هکتور گفت: «چقدر عالی! تو همین الان برو! من یک کمی

جمع‌وجور می‌کنم، بعد می‌آیم.»

آلبرت کیفش را برداشت و راه افتاد طرف خانه‌ی فیونا.



مجموعه‌ی اردک‌های بنفش



کتابی زیبا و دوست‌داشتنی درباره‌ی دوستی‌ها و آرامش!



کتابی زیبا و دلگرم‌کننده درباره‌ی دوستی‌های یک‌هوویی و یک‌دفعه‌ای!



کتابی جالب و پُرماجرا درباره‌ی کشف‌کردن و لمس‌کردن!



کتابی عالی درباره‌ی سفر رفتن و ماندن توی خانه!